

سیر تاریخی و روند حقوقی سقط جنین در آمریکا و نقش جنبش های زنان در فرایند تصمیم گیری سیاسی آن

سید محمد علی موسوی^۱، هاجر عمیدیان^۲، یاسر نوروزی^۲، امیر صفری^۲

استادیار دانشکده مطالعات جهان، دانشگاه تهران mamousavi@ut.ac.ir

-۱

-۲ دانشجوی کارشناسی ارشد مطالعات آمریکای شمالی، دانشگاه تهران



چکیده

سقط جنین یکی از مهم ترین مسائل و از جنجالی ترین موضوعاتی بوده است که از نیمه دوم قرن بیستم تاکنون در ایالات متحده آمریکا مطرح شده است. مسأله سقط جنین از معدود موضوعاتی است که ایالات متحده را به دو گروه طرفدار و مخالف سقط جنین تقسیم کرده است از این رو احزاب سیاسی، سایر نهادها و مراکز تأثیرگذار در فرایند تصمیم‌گیری آن، در رابطه با این موضوع به طور شدیدی فعال می‌باشند. مقاله حاضر تلاشی برای بررسی تأثیر جنبش‌های اجتماعی زنان طرفدار حق حیات و حق انتخاب در فرایند تصمیم‌گیری سیاسی آمریکا با بهره‌برداری از نهادهایی مانند کلیسا، رسانه، سازمان‌های غیر دولتی می‌باشد. در این مقاله ضمن بررسی سیر تاریخی و روند حقوقی سقط جنین در ایالات متحده، رابطه این پدیده مهم اجتماعی با عنصر ایدئولوژی حاکم بر احزاب، مؤلفه مذهب و سیاست حاکم بر نهادهای تأثیرگذار در تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی آن کشور مورد بررسی قرار می‌گیرد. این مقاله نشان می‌دهد که علی‌رغم این تلاش‌ها و تأثیرگذاری‌ها در این فرایند و حضور همه‌جانبه جنبش‌های زنان در موافقت و مخالفت با سقط جنین، هم‌چنان این موضوع امری پیچیده در سیاست داخلی آمریکا باقی مانده است.

کلید واژه‌ها: جنبش زنان، سقط جنین، آمریکا، نظام تصمیم‌گیری، کلیسا، حق حیات، حق انتخاب.

دریافت: ۸۹/۱۲/۲۳ پذیرش: ۹۰/۲/۲۴

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پښتو پوهنتون د انساني علومو او مطالعاتو مرکز
پرتال جامع علوم انساني

مقدمه و بیان مسأله

بدون شک یکی از مهم ترین موضوعات چالش برانگیز اجتماعی در عصر حاضر و به خصوص در جوامع صنعتی موضوع سقط جنین است. با اوج گیری حرکت های فمینیستی در اواسط قرن بیستم، موضوع آزادی سقط جنین در کشورهای اروپایی و آمریکا موجب افزایش شکاف های اجتماعی شده و گروه های اجتماعی در این جوامع را به دو دسته طرفداران و مخالفان سقط جنین تبدیل کرده است. این موضوع را می توان در کشورهای اروپایی از جمله اسپانیا و ایتالیا به راحتی مشاهده کرد. اما بدون تردید موضوع سقط جنین در ایالات متحده، با توجه به تأثیر مهم مذهب در شکل گیری جامعه آمریکا و نقش آن در جهت دهی و سازمان دهی جریان های اجتماعی، یکی از جنجالی ترین و بحث برانگیزترین موضوعاتی بوده است که تاکنون در این کشور مطرح شده است. شاید بتوان اهمیت اجتماعی این موضوع را از لحاظ ابعاد قانونی و اجتماعی با مسأله آزادی سیاه پوستان و لغو برده داری در قرن ۱۹ در این کشور مقایسه کرد.

سقط جنین به طور رسمی در سال ۱۹۷۳ و در پی اعلام نظر دادگاه عالی ایالات متحده در مورد پرونده "رو در برابر وید"^۱ قانونی اعلام شد. اما از آن زمان تاکنون اختلافات و جنجال های وسیعی حول موضوع سقط جنین در ایالات متحده مطرح شده است، به طوری که این موضوع همیشه یکی از اصلی ترین مسائل در انتخابات ریاست جمهوری در آمریکا بوده است. برای مثال در انتخابات اخیر در ایالات متحده (۲۰۰۸) یکی از موضوعات اجتماعی مورد پرسش از دو کاندیدای اصلی (باراک اوباما و جان مکین) مخالفت و یا موافقت آن ها با موضوع سقط جنین بود. این موضوع در مباحثات حزبی نیز پررنگ می باشد. به طور کلی می توان این ادعا را مطرح کرد که حزب جمهوری خواه و ایالت هایی که به عنوان "ایالت های قرمز" شناخته می شوند، رویکرد سختگیرانه تری در برابر مسأله سقط جنین دارند و در مقابل حزب دموکرات و ایالت هایی که به عنوان "ایالت های آبی" شناخته می شوند، رویکرد لیبرال-تری در برابر این موضوع دارند.

در مقاله حاضر سعی شده است تا روند سقط جنین در ایالات متحده از زمان قانونی شدن آن و در چارچوب نقش جنبش های زنان در فرایند تصمیم گیری سیاست داخلی آمریکا مورد بررسی قرار گیرد. هدف اصلی این تحقیق بررسی این روند و نقش جنبش های حق حیات و حق انتخاب در فرایند تصمیم گیری آن با استفاده از احزاب و سایر مراکز تأثیر گذار در ایالات متحده از جمله نهاد کلیسا، رسانه ها و گروه های لابی است. فرضیه تحقیق این است که علی رغم تأثیرگذاری نهادهای فوق در روند تصمیم گیری سیاسی آمریکا پیرامون سقط جنین، به دلیل حساسیت اجتماعی این موضوع (ناشی از عوامل ایدئولوژیک، مذهب و سیاست) و

^۱ Roe-Wade Case

حضور تأثیرگذار جریان های موافق و مخالف، سقط جنین هم چنان به عنوان یکی از چالش برانگیزترین موضوعات سیاسی داخلی آمریکا بوده که بسته به دیدگاه حزب حاکم و شرایط اجتماعی روز آمریکا، تنها می توان گام های کوتاهی به نفع یا علیه سقط جنین سیاستگذاری کرد. روش استفاده شده در این تحقیق روش هم زمان تاریخی و تحلیل محتوای کیفی است که با استفاده از سیر تحولات تاریخی سقط جنین و دیدگاه مقایسه ای جنبش حق حیات و حق انتخاب، به تحلیل روند سیاستگذاری این موضوع و شیوه تأثیرگذاری بر آن پرداخته شده است. در این مقاله عوامل تأثیرگذار بر روند سیاستگذاری دولت آمریکا در خصوص سقط جنین با تمرکز بر جنبش های زنان بررسی شده است.

بخش اول این مقاله روند سقط جنین را به طور اجمالی مورد بررسی قرار داده است و در بخش دوم ارتباط موجود بین ایدئولوژی حاکم بر احزاب و گروه های ذی نفع مورد کنکاش عمیق تر و جدی تر قرار می گیرد.

زنان و سیر تحولات سقط جنین در آمریکا

این بخش سیر تحول تاریخی و تغییرات قانونی سقط جنین در کشور ایالات متحده آمریکا را ارزیابی و تحلیل می کند. مسأله سقط جنین از سال ها قبل از تصویب قانون رووید در دهه ۱۹۷۰، یک موضوع به شدت چالش برانگیز در ایالات متحده آمریکا بوده است. زیرا از یک طرف بسیاری از مردم آمریکا به عنوان گروه های به شدت مذهبی مخالفت آشکاری با قانونی بودن سقط جنین دارند و از طرف دیگر بسیاری از دیگر ساکنان این سرزمین که کشور خود را به عنوان پرچمدار دنیای آزاد می شناسند، انتظار دارند اصولی که از دید آنان از مبانی حقوق بشر به شمار می آید به کامل ترین شکل برقرار شود. به همین دلیل برای سال های طولانی مسأله قانونی بودن سقط جنین یک موضوع بسیار جنجالی در این کشور بوده است. در این میان مبارزات طولانی مدت گروه های طرفدار حق سقط جنین باعث شد که سرانجام در سال ۱۹۷۲، دیوان عالی کشور طی قانونی که امروزه قانون رووید نامیده می شود، سقط جنین را تحت شرایطی قانونی اعلام کند. ولی حتی پس از تصویب این قانون مبارزات دو گروه موافق و مخالف هم چنان ادامه دارد. موافقان برای گسترش شرایط قانونی بودن حق سقط جنین و مخالفان برای محدود کردن این شرایط یا حتی غیر قانونی شدن آن تلاش می کنند.

^۱ <http://caselaw.lp.findlaw.com/scripts/getcase.pl?court=US&vol=۴۱۰&invol=۱۱۳> April ۲۰۱۰

بررسی روند تحولات تاریخی

مسئله سقط جنین تا اوایل دهه ۱۹۶۰ جایی در منازعات اجتماعی ایالات متحده آمریکا نداشت. تا آن زمان، عمل سقط جنین بر اساس قوانین و مقررات قرن نوزدهم به مرحله اجرا گذاشته می‌شد، به عبارت دیگر سقط جنین اقدامی غیر دینی و غیر اخلاقی تلقی می‌شد که تنها در صورت مرگ حتمی مادر، جنبه قانونی داشت. اما تحولات اجتماعی دهه ۱۹۶۰ و رشد گرایش‌های لیبرالیستی در جامعه، مسئله آزادی سقط جنین را به یکی از موضوع‌های مهم در چالش‌های ایدئولوژیکی آمریکا بدل کرد.

دهه ۱۹۶۰ دهه تغییرات شگرف در جامعه آمریکا بود. از یکسو نژاد سرکوب شده سیاه به پا خاست و طی مبارزات طولانی توانست به قانون حقوق مدنی با هدف رفع تبعیض‌ها دست پیدا کند و از سوی دیگر جنبش‌های فمینیستی، کسب برابری حقوق زن و مرد را سرلوحه فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی خود قرار دادند. در این دهه به قدرت رسیدن افرادی نظیر جان اف. کندی و جانسون وی، لیندون جانسون بهترین فرصت را برای لیبرال‌ها مهیا کرد تا جامعه آمریکا را از قالب محافظه کاری خارج کند. جانسون شعار «جامعه بزرگ» را سر داد که در آن، حقوق کلیه گروه‌های اجتماعی به رسمیت شناخته می‌شد. در آن زمان علاوه بر رنگین پوستان، زنان نیز خواهان کسب حقوق جدید بودند و از دید گروه‌های فمینیستی در حال رشد، سقط جنین، حق مسلم سیاسی زنان آمریکا تلقی می‌شد.^۱

البته بحث حق سقط جنین برای زنان یک شبه بوجود نیامد بلکه محصول چند سال مبارزه فمینیست‌ها بود. در سال ۱۹۶۲، یک رویداد در ظاهر کم اهمیت مسئله سقط جنین را در آمریکا به موضوع روز تبدیل کرد. ماجرا از این قرار بود که زن جوانی به نام «شری فینکبین»^۲ در ایالت کالیفرنیا از پزشکان خود درخواست سقط جنین کرد. اما از آن جاکه قوانین ایالتی در این خصوص صراحت نداشت، مسؤولان بیمارستان از انجام عمل سقط جنین سر باز زدند. به همین دلیل فینکبین راهی کشور سوئد شد و جنین خود را سقط کرد. چاپ خبری این اقدام و هم چنین سخنان نیشدار پزشکان سوئدی تا چند ماه مورد توجه افکار عمومی مردم آمریکا بود. مدتی بعد از این ماجرا یک اپیدمی سرخچه در کالیفرنیا از راه رسید. پزشکان هشدار دادند که فرزندان مادران باردار مبتلا به بیمار سرخچه ناقص الخلقه به دنیا خواهند آمد. اما این بار نیز مسؤولان بیمارستان‌ها به دلیل نگرانی از تعقیب قانونی، تن به انجام سقط جنین مادران بیمار ندادند.^۳ این حوادث در ایالت کالیفرنیا، توجه گروه‌های فمینیستی را به خود

^۱ Marwick, ۱۹۹۸: ۱۹۶

^۲ Sherri Finkbine

^۳ Brzuzy, Amy, ۲۰۰۷: ۵۰۴

جلب کرد. سازمان ملی زنان^۱ به عنوان یکی از تشکل‌های حامی برابری حقوق زنان از قانون‌گذاران فدرال و ایالتی خواستند تا با حق قانونی سقط جنین موافقت کنند. البته نخست گروه‌های فمینیستی از منظر پزشکی و سلامت جان مادران چنین خواسته‌ای را مطرح می‌کردند. اما پس از آن که این گروه‌ها به سوی رادیکالیسم متمایل شدند، آزادی سقط جنین بدون قید و شرط را خواستار شدند.^۵

به تدریج تا اواخر دهه ۱۹۶۰، سقط جنین با هدف نجات جان مادران از مرگ و متأثر از فضای لیبرالیستی جامعه در برخی از ایالت‌های آمریکا مورد قبول واقع شد. ایالت‌های کالیفرنیا، کلرادو و کارولینای شمالی از اولین این ایالات بودند. این گونه تصمیم‌ها با توجه به روحیه مذهبی مردم و وجود نهادهای قدرتمند ضد سقط جنین نظیر کلیسا، اقدامی رو به جلو برای گروه‌های فمینیست تلقی می‌شد. اما این وجود عقب‌نشینی مجالس قانون‌گذاری برخی ایالت‌ها، این گروه‌ها را برای طرح خواسته‌های بیش‌تر تشویق کرد. از نظر فمینیست‌ها، انجام سقط جنین بنا بر ضرورت‌های پزشکی هرگز نمی‌توانست تأمین‌کننده حقوق برابر زنان باشد. از دید آن‌ها اگر زنی در اثر تجاوز و یا به زور بارداری می‌شد، نمی‌توانست در مورد نگهداشتن و یا از بین بردن فرزند ناخواسته خود تصمیم بگیرد و این مسأله در تضاد با اصل برابری کلیه شهروندان از جمله برابری زنان و مردان قرار داشت. به این ترتیب، دهه ۱۹۶۰ که با درخواست سقط جنین پزشکی آغاز شده بود، با درخواست بی‌قید و شرط آن پایان پیدا کرد.^۲

تصمیم نمایندگان مجلس ایالتی نیویورک در سال ۱۹۷۰ زمینه را برای گروه‌های فمینیستی که خواهان سقط جنین غیر پزشکی بودند، فراهم کرد. با این مصوبه برای نخستین بار به مادران اجازه داده شد که در سه ماه اول بارداری، حتی بدون ضرورت‌های پزشکی سقط جنین کنند تا دو سال بعد، برخی از ایالت‌های آمریکا در مناطق نیوانگلند و غرب این کشور که نسبت به جنوب و مناطق مرکزی آمریکا لیبرال‌تر بودند، راه نیویورک را در پیش گرفتند. این تحولات در حالی روی می‌داد که علی‌رغم دهه ۱۹۶۰، راست‌گرایان حزب جمهوری خواه در کاخ سفید حاکم بودند. اما از آن‌جا که گرایش‌های لیبرالیستی عصر کندی - جانسون هنوز در جامعه آمریکا قوی بود و دموکرات‌ها اکثریت کنگره ایالات متحده آمریکا را در دست داشتند، مقاومت محافظه‌کاران در مقابل آزادی سقط جنین بی‌حاصل ماند. این روند سرانجام جامعه آمریکا را حول موضوع سقط جنین به دو گروه کاملاً جداگانه تقسیم کرد. سرانجام دیوانعالی فدرال آمریکا به عنوان عالی‌ترین مرجع حقوق کشور وارد عمل شد و حکم تاریخی خود را در خصوص این موضوع حساس ملی در سال ۱۹۷۲ در قالب حکم رو-وید صادر کرد.^۳ در واقع دیوانعالی فدرال ایالات متحده آمریکا یک دهه پس از آن که موضوع سقط جنین به یک معضل اجتماعی تبدیل شد، با صدور حکمی آن را قانونی اعلام کرد. بر

^۱ NOW: The National Organization of Women

^۲ Brzuzy, Amy, ۲۰۰۷: ۵۰۴

^۳ Garrow, ۱۹۹۴: ۶۰۸

اساس این حکم، سقط جنین در سه ماه نخست بارداری حتی بدون نیاز به نظر پزشک آزاد اعلام شد و در سه ماه دوم نیز به زنان باردار اجازه سقط جنین داده شد، اما از آن جا که در این مرحله، سقط برای مادر خطرناک خواهد بود، این عمل باید زیر نظر پزشک صورت می گرفت. تنها در سه ماه سوم بارداری که از نظر پزشکی، جنین دارای روح است، سقط هم چنان غیر قانونی باقی ماند. البته در حکم دیوانعالی فدرال به پزشکان اجازه داده شد در صورت بروز خطر جانی برای مادر در زمان تولد فرزندش، در هر زمانی سقط جنین صورت گیرد^۱. به این ترتیب، یکی از حساس ترین و جنجالی ترین احکام دیوانعالی فدرال آمریکا در تاریخ این نهاد حقوقی و قضایی صادر شد. از آن زمان تاکنون دیدگاه سیاسی و اجتماعی اغلب سیاست مداران آمریکایی در ارتباط با این حکم سنجش می شود. به عبارت دیگر، اگر فردی حکم دیوانعالی را در خصوص سقط جنین مورد تأکید قرار دهد، در گروه لیبرالها قرار می گیرد، اما اگر در این حکم خدشه ای وارد کند، در گروه محافظه کاران طبقه بندی می شود^۲.

در دهه ۱۹۸۰ با حاکمیت راست گرایان در دولت رونالد ریگان (۱۹۸۰-۱۹۸۸) برخی استثنائاتی در مورد حکم دیوانعالی فدرال در نظر گرفته شد. از آن جا که محافظه کاران حتی در دوران اوج قدرت خود نتوانستند به اصل حکم رو-وید خدشه ای وارد کنند، به سوی محدود کردن آن حرکت کردند. براساس یک قاعده حقوقی به نام «قاعده سکوت» کلینیک های دولتی که در زمینه برنامه ریزی خانوادگی کار می کردند، از ارائه توصیه و مشورت در مورد سقط جنین به زنان حامله منع شدند. به اعتقاد محافظه کاران، پرداخت پول مالیات دهندگان آمریکایی به اقدامی که حاصل آن کشتن یک موجود زنده است، پذیرفتنی نبود. به این ترتیب در زمان حاکمیت راست گرایان در دهه ۱۹۸۰ و اوائل دهه ۱۹۹۰، تنها کلینیک های خصوصی مجاز بودند که زنان باردار را در مورد سقط جنین مشاوره بدهند. این قاعده بعدها در نخستین روزهای ریاست جمهوری کلینتون لغو شد. به اعتقاد لیبرالها، «قاعده سکوت» موجب شده بود که زنان فقیر در شرایط دشوارتر و بدون مشاوره های رایگان کلینیک های دولتی تن به عمل خطرناک سقط جنین بدهند. محروم کردن این زنان به منزله اعمال تبعیض علیه فقرا و به خطر انداختن جان آنان تلقی می شد^۳.

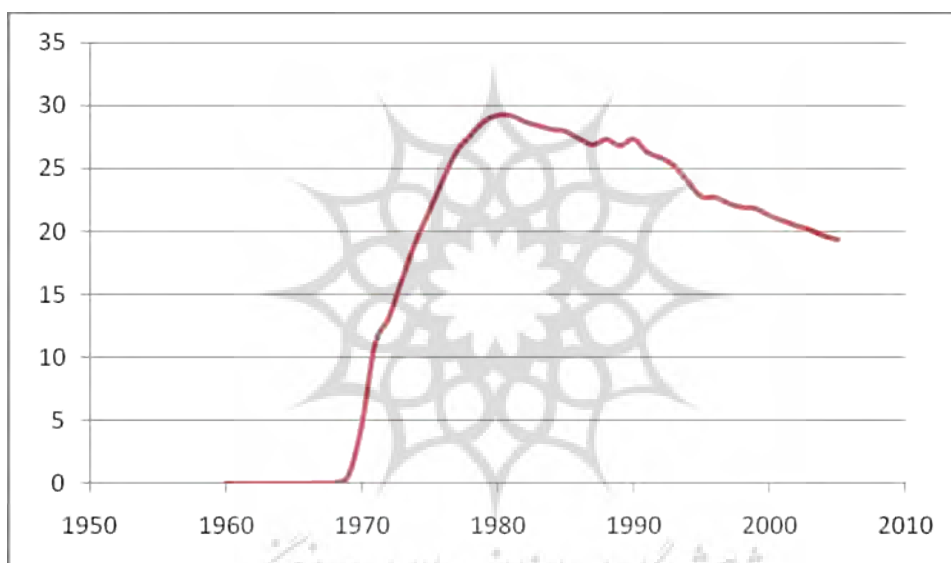
هم چنین در دوران ریگان و بوش (۱۹۹۲-۱۹۸۸) براساس «مقررات مکزیکوسیتی» دولت آمریکا از ارائه کمک به نهادهای بین المللی که سقط جنین را در کشورهای در حال توسعه ترغیب می کردند، منع شد. راست گرایان آمریکایی در اواخر دهه ۱۹۸۰ که پرداخت سهمیه مالی دولت آمریکا به سازمان ملل را در سنای این کشور متوقف کردند، از چنین ادله ای استفاده می کردند. از دیدگاه محافظه کاران، سازمان ملل متحد در چارچوب صندوق جمعیت ملل متحد به شکل آشکاری زنان فقیر را به سقط جنین تشویق می کرد. حتی برخی راست گرایان به شدت رادیکال در آمریکا، دیگر شیوه های توصیه شده سازمان ملل برای کنترل جمعیت را نیز اقدامی مغایر با اخلاق اجتماعی و وظایف ذاتی سازمان ملل می دانستند. بنابراین، زمانی که بیل کلینتون

^۱ <http://www.johnstonsarchive.net/policy/abortion/index.html>, ۳۰ March ۲۰۱۰

^۲ Garrow, ۱۹۹۴:۷۴۶

(۱۹۹۲-۲۰۰۰) « مقررات مکزیکوسیتی» را باطل اعلام کرد و همسرش، سناتور هیلاری کلینتون در اجلاس بین المللی جمعیت در پکن انجام سقط جنین را یکی از راه‌های مؤثر بارداری‌های ناخواسته توصیف کرد، با موجی از خشم و نفرت راست گرایان در خانه مواجه شد.^۱

در ماه اگوست سال ۱۹۹۴ برای نخستین بار یک پزشک به دلیل انجام سقط جنین به وسیله یک فرد مسلح کشته شد. پال هیل، عضو یک گروه شبه نظامی در دادگاه به صراحت علت قتل دکتر جان بریتون را نقش این دکتر در مرگ هزاران جنین سقط شده عنوان کرد. تا پایان دهه ۱۹۹۰ بارها کلینیک‌های سقط جنین به وسیله گروه‌هایی طرفدار حق حیات مورد حمله قرار گرفتند. اغلب این کلینیک‌ها در منطقه جنوب که به کمربند انجیلی معروف است، واقع شده بودند.^۲

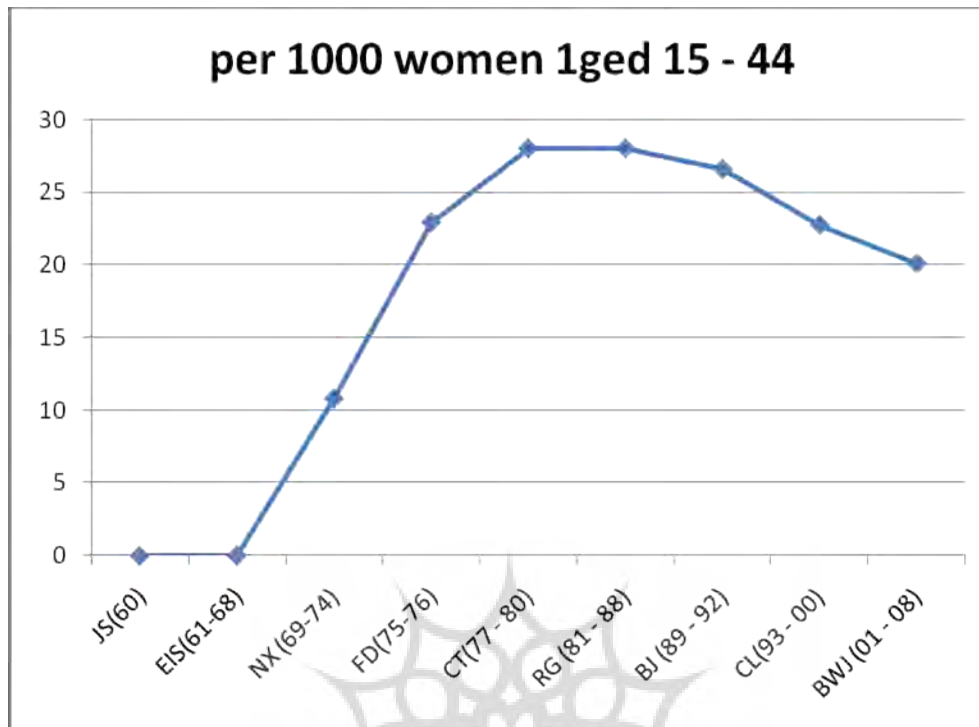


نمودار ۱: تعداد سقط جنین‌های انجام شده برحسب هر ۱۰۰۰ زن ۱۵ تا ۴۴ ساله آمریکایی^۳

^۱ www.cbcnews.com, ۲۰۱۰

^۲ <http://staging.awid.org/Women-in-Action/New-Resources/Abortion-in-the-United-States-bible-belt-organizing-for-power-and-empowerment>, ۲۰۱۰

^۳ <http://www.johnstonsarchive.net/policy/abortion/index.html>



نمودار ۲: آمار سقط جنین برحسب هر ۱۰۰۰ زن ۱۵ تا ۴۴ ساله آمریکایی (از زمان کندی در دوران رؤسای جمهور آمریکا)^۱

امروزه سالانه ۴۰ میلیون سقط جنین در جهان انجام می‌شود. مطالعه‌ای از قوانین سقط جنین در ۱۵۲ کشور با جمعیت

بالای یک میلیون نفر نشان می‌دهد که^۲:

- ۴۱ درصد از جمعیت جهان در ۵۰ کشوری زندگی می‌کنند که سقط جنین در آن کاملاً قانونی است.
- ۲۱ درصد در ۴۱ کشوری زندگی می‌کنند که سقط جنین در آن‌ها براساس برخی زمینه‌های اجتماعی و اقتصادی مجاز شمرده می‌شود.
- ۱۲ درصد در ۵۳ کشوری زندگی می‌کنند که سقط جنین در آن‌ها غیرقانونی است، مگر در مواردی که سلامت زن به خطر بیفتد.
- ۲۶ درصد در ۷۴ کشوری زندگی می‌کنند که سقط جنین در آن‌ها یا کاملاً تحریم شده یا اجازه آن فقط برای نجات جان مادر است. این کشورها در خصوص سقط جنین با مسائل دینی مواجه هستند.

^۱ <http://www.johnstonsarchive.net/policy/abortion/index.html>

^۲ (The Center for bio-ethical reform, <http://www.abortionno.org/Resources/fastfacts.html>, April ۲۰۱۰)

آمار مرکز کنترل و پیشگیری امراض آمریکا نشان می‌دهد که در این کشور تقریباً یک میلیون و ۲۹۰ هزار زن در هر سال تصمیم به سقط جنین می‌گیرند. با توجه به آمارهای فعلی از هر ۳ زن زیر ۴۵ سال یک نفر حداقل یک بار سقط جنین را تجربه کرده است. در آمریکا ۵۷ درصد زنانی که سقط جنین می‌کنند، در دهه دوم زندگی خود به سر می‌برند، ۶۰ درصد آن‌ها یک یا دو فرزند دارند، ۸۶ درصد آن‌ها ازدواج نکرده‌اند، ۵۷ درصد آنان از وضع خوبی برخوردار نمی‌باشند، ۸۸٪ آنان در کلان شهرها زندگی می‌کنند و ۷۸ درصد آنان گرایش مذهبی دارند. میزان سقط جنین در اقوام مختلف تقریباً یکسان می‌باشد^۱

از مجموع این نکات می‌توان دریافت که بحث سقط جنین یکی از مباحث بسیار جنجال برانگیز در آمریکا بوده و پای خود را در سیاست و جامعه و حتی در اردوگاه‌های انتخابات ریاست جمهوری باز کرده است.

بررسی روند تحولات قانونی

در سال ۱۹۵۹ مؤسسه حقوقی آمریکا^۲ قانونی را پیشنهاد کرد که به موجب آن سقط جنین در موارد صدمه روحی یا جسمی مادر و نیز در موارد حاملگی به علت تجاوز^۳ یا زمانی که جنین دارای مشکلات جسمی قابل ملاحظه باشد، قانونی شود. در ۲۵ آوریل ۱۹۶۷ فرماندار ایالت کلرادو^۴ به عنوان اولین ایالت، سقط جنین در موارد خاص را تصویب کرد. در ایالت نیویورک در سال ۱۸۳۰ قانونی تصویب شد که براساس آن تنها در صورت احتمال مرگ مادر، سقط جنین مجاز شمرده می‌شد. در ۱۱ آوریل ۱۹۷۰ نلسون راکفلر^۵ فرماندار ایالت، این قانون را ملغی و سقط را تا قبل از هفته بیست و پنجم حاملگی مجاز اعلام کرد. در همین سال قوانین مشابهی در ایالات آلاسکا، هاوایی و واشنگتن به تصویب رسید. در ۲۱ آوریل ۱۹۷۱ دیوان عالی در تفسیر قانون منطقه کلمبیا^۶ اعلام کرد که مفهوم سلامتی مادر "سلامتی روحی و جسمی مادر" است و در نتیجه در عمل راه را برای سقط جنین به هر دلیل باز گذاشت^۷. تا سال ۱۹۷۲، ۱۳ ایالت قوانینی برای آزاد بودن سقط را براساس شرایط پیشنهاد شده به وسیله مؤسسه حقوقی آمریکا تصویب کرده بودند و در چهار ایالت سقط جنین کلاً آزاد بود. در می‌سی‌سی‌پی فقط در صورت تجاوز جنسی و در آلاباما فقط برای حفظ سلامتی مادر این عمل مجاز شناخته می‌شد و در ۳۱ ایالت باقیمانده، این کار فقط در صورت تهدید حیات مادر قانونی بود^۸. در ۲۲ ژانویه ۱۹۷۳ دیوان عالی سرانجام قانون موسوم به رو-وید را تصویب کرد. براساس این قانون دوره حاملگی به

^۱ (<http://www.johnstonsarchive.net/policy/abortion/index.html>, ۳۰ March ۲۰۱۰)

^۲ ALI: The American Law Institute

^۳ Rape and incest

^۴ John A. Love

^۵ Nelson A. Rockefeller

^۶ District of Columbia

^۷ <http://www.johnstonsarchive.net/policy/abortion/index.html>, ۳۰ March ۲۰۱۰

سه دوره ۳ ماهه تقسیم می‌شود. در سه ماهه اول ایالت‌ها حق ندارند هیچ قانونی برای محدود کردن سقط جنین وضع کنند. در سه ماهه دوم نیز قوانین محدود کننده ایالات می‌تواند فقط به دلایل بهداشتی باشد. در سه ماه آخر حاملگی ایالات اجازه دارند که قوانین محدود کننده را به دلیل حق حیات جنین وضع کنند.^۱

در ۱۴ می همان سال کمیته ملی دفاع از حق حیات^۱ شکل گرفت و اولین گردهمایی آن در ماه ژوئن در دیترویت تشکیل شد. در ۱۰ مارچ ۱۹۷۵ اولین الحاقیه پیشنهادی برای اضافه کردن به قانون اساسی کشور به جهت حمایت از حق حیات به وسیله سناتور جیمز بوکلی^۲ جمهوری خواه از ایالت نیویورک و سناتور جس هلمز^۳ جمهوری خواه از کارولینای شمالی در سنا ارائه گردید. این الحاقیه پیشنهادی در سال بعد به رای گذاشته شد ولی در حالی که به حداقل ۶۷ رای احتیاج داشت با به دست آوردن ۴۰ رای از دستور کار سنا خارج شد. ولی در همین سال قانونی تصویب شد که به موجب آن کمک مالی به سقط جنین از محل بودجه فدرال فقط به موارد بسیار خاص محدود می‌شد.^۴

در جولای ۱۹۷۶ در میسوری قانونی تصویب شد که به موجب آن پدر جنین حتی در صورتی که به طور قانونی همسر مادر جنین باشد حق هیچ گونه دخالتی در تصمیم گیری برای سقط ندارد. در سال ۱۹۷۷ اولین تشکیلات خیریه برای دفاع از ممنوعیت سقط جنین در ایالت مینه‌سوتا شکل گرفت و در همین سال اولین اقدامات قانونی برای تغییر قانون رو-وید به وسیله کمیته ملی دفاع از حق حیات آغاز شد. در ۲۳ مارچ ۱۹۸۱ دیوان عالی کشور، قانون ایالتی یوتا را قانونی اعلام کرد. براساس این قانون، سقط جنین در مورد دخترانی که هنوز تحت تکفل والدین خود هستند و با آن‌ها زندگی می‌کنند، فقط با اطلاع خانواده دختر انجام می‌شود. در سال ۱۹۸۲ دیوان عالی کشور اعلام کرد که قانون اساسی هیچ قانونی را به طور مستقیم در مورد سقط جنین مشخص نمی‌کند ولی سنا و کنگره براساس قانون اساسی می‌توانند در این مورد تصمیم بگیرند.

در سال ۱۹۸۴ دولت ریگان قانون مکزیکوسیتی^۵ را تصویب کرد که به موجب آن کمک مالی دولت را به مؤسسات بین المللی که در برنامه های کنترل جمعیت به سقط جنین نیز می‌پرداختند، ممنوع می‌کرد. این قانون در زمان کلینتون لغو، در زمان بوش پسر دوباره تصویب^۶ و در اولین روزهای ریاست جمهوری اوباما به طور مجدد لغو شد.^۷ در دوره ریگان تلاش های متعددی از از دو طرف برای انتصاب قضات طرفدار خود برای پست دیوان عالی انجام شد ولی در مجموع برداشتن قانون رو-وید که مورد نظر

^۱ National right to life committee

^۲ James L. Buckley

^۳ Jesse Helms

^۴ Garrow, ۱۹۹۴: ۸۹۵

^۵ Mexico City policy

^۶ <http://web.archive.org/web/۲۰۰۱۰۶۰۴۰۲۲۱۳۶/http://www.whitehouse.gov/news/releases/۲۰۰۱۰۱۲۳-۵.html,January, ۲۰۰۱>

^۷ <http://www.whitehouse.gov/statement-released-after-the-president-rescinds/> ۶ April ۲۰۱۰

طرفداران حق حیات بود، محقق نشد. در طول سال های دهه ۱۹۹۰ چندین تظاهرات چند صد هزار نفری طرفداران حق حیات در واشنگتن دی سی انجام شد. در سال ۱۹۹۰ ایالت ایداهو استفاده از سقط جنین برای کنترل تعداد موالید را غیر قانونی اعلام کرد. در همین سال ها در دورران ریاست جمهوری ریگان و بوش پدر برخی قوانین در مورد عدم همکاری با سازمان های بین المللی و سازمان های غیر دولتی که سقط جنین را ترویج می کنند، از جمله قانون موسوم به کمپ-کاستن^۱ تصویب شد^۲.

در سال ۱۹۹۲، سرانجام ۱۲ سال فرمانروایی مخالفان سقط جنین بر کاخ سفید به پایان رسید و بیل کلینتون نامزد حزب دموکرات که طرفدار سقط جنین بود به ریاست جمهوری انتخاب شد. کلینتون به فاصله کوتاهی پس از انتخاب قانون مکزیکوسیتی را لغو کرد و اجازه داد تا به سازمان های بین المللی فعال در زمینه سقط جنین کمک شود. او هم چنین به بیمارستان های دولتی اجازه داد که دوباره در فعالیت های سقط جنین فعال شوند.

در سال ۱۹۹۳ سرانجام کمیته ملی دفاع از حق حیات توانست قانون آزادی انتخاب^۳ را (که برای الحاق به قانون اساسی پیشنهاد شده بود) از دستور کار سنا خارج کند. در سال ۱۹۹۵ کالج ملی دانشجویان مخالفان سقط جنین^۴ تأسیس شد و در همین سال جین رو (همان کسی که در جریان دادگاه جنجالی رو-وید یک طرف دعوی بود) در برنامه تلویزیونی اعلام کرد که برخلاف قبل، او هم اکنون به طرفداران حق حیات پیوسته است و در ماجرای مشهور رو-وید ادعای او مبنی بر این که حاملگی وی به علت تجاوز بوده، دروغ بوده است. در همین سال قانون ممنوعیت سقط جنین دارای حیات^۵ به وسیله کنگره و سنا تصویب شد ولی کلینتون برای اولین بار در دوره ریاست خود از حق وتو بر علیه این قانون استفاده کرد. اما پس از این وتو مخالفان سقط جنین تلاش زیادی را برای تصویب مجدد این قانون به کار بردند و بار دیگر این قانون را علی رغم وتوی کلینتون به سنا بردند ولی در آن جا در حالی که به سه رأی دیگر برای بی اثر کردن وتوی رئیس جمهور احتیاج داشتند، از این کار بازماندند. فعالیت های کمیته ملی دفاع از حق حیات علیه سقط جنین در آمریکا به حدی بود که در سال ۱۹۹۹ مجله فورچون^۶ این کمیته را به عنوان هشتمین نهاد قدرتمند غیر دولتی در آمریکا اعلام کرد^۷.

رویکرد جنبش های اجتماعی زنان: موافقان و مخالفان سقط جنین

^۱ Kemp/Kasten

^۲ <http://www.nchla.org/datasource/idocuments/KempK8۰۰۳.pdf>, April ۲۰۱۰

^۳ Freedom of choice act

^۴ National college students for life

^۵ Partial-birth abortion ban act

^۶ Fortune magazine

^۷ Fortune, "Power ۲۰", ۶ December ۱۹۹۹

سقط جنین یا پایان بخشیدن به بارداری پیش از موعد، جزء مباحث بسیار حساس با بار سیاسی، اخلاقی و مذهبی به شمار می‌رود. مخالفان که عنوان «طرفدار حق حیات»^۱ را دارند، معمولاً بر این باورند که زندگی از لحظه شکل گرفتن نطفه آغاز می‌شود و جنین در هر مقطعی از حقوق یک انسان کامل برخوردار بوده و سقط جنین را معادل قتل نفس می‌شمارند. ایشان به گزینه‌ها و آلترناتیوهای پیش روی مادر، هم چون واگذاری سرپرستی و حضانت کودک به دنیا آمده به افرادی که به دنبال فرزند هستند، اشاره می‌کنند و بر این باورند مادرانی که از عهده نگهداری فرزندان خود بر نمی‌آیند می‌توانند نوزاد تازه به دنیا آمده را به چنین خانواده‌هایی بسپارند. کسانی که از حق مادر برای پایان دادن به بارداری پشتیبانی می‌کنند، طرفدار «حق انتخاب»^۲ خوانده می‌شوند. البته باید در نظر داشت که این افراد به طور لزوم از عمل سقط جنین دفاع نمی‌کنند بلکه اولویت حق انتخاب را با مادر می‌دانند و بر این باورند که قانون‌گذار یا دیگر نهادهای حکومتی مجاز به ورود به این حریم نیستند. به علاوه حامیان این نقطه نظر معتقدند در هر کجا که سقط جنین با موانع قانونی روبه‌رو باشد، بازار سقط غیر قانونی رونق می‌گیرد و شرایط پایین بهداشتی چنین رویه‌هایی، سلامتی و حتی جان زنان و دختران را با خطر جدی مواجه می‌کند. براساس نظر ایشان اولاً شواهدی وجود ندارد که نشان دهد سقط جنین آسیب‌زاتر از تولد یک بچه است و دوم این که هر زن به طور شخصی بهترین قاضی برای تصمیم‌گیری در مورد خویش می‌باشد.^۳

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

^۱ Pro-life

^۲ Pro-choice

^۳ James L. Buckley

مسأله دیگر مورد توجه دو گروه فوق، موضوع افزایش درآمد خانواده‌ها به علت سقط است. آماری که در این مورد وجود دارد آن است که چون سقط باعث می‌شود که مادر کار خود را از دست ندهد، برای یک بازده یک ساله حول و حوش زایمان، درآمد خانواده ۴۰ درصد بیش از وقتی است که این فرزند ناخواسته متولد می‌شود. از طرف دیگر چون تعداد فرزندان خانواده کم می‌شود، به طور متوسط حدود ۱۵ تا ۲۰ درصد به طور دائمی به درآمد هر یک از افراد خانواده افزوده می‌شود که این به معنای رفاه بیش تر است. در این مورد هر یک از دو گروه تفسیر خاص خود را دارند. گروه طرف داران حق انتخاب می‌گویند که این افزایش درآمد در ۳۰ سال گذشته وضعیت رفاهی جامعه آمریکا را به شدت بهبود داده و در نتیجه به شدت مطلوب است. در طرف دیگر طرف داران حق حیات می‌گویند که این رفاه به بهای کشتار نزدیک به ۳۵ میلیون نوزاد بی گناه بدست آمده که برای جامعه آمریکایی بسیار شرم‌آور است و اگر این افراد زنده می‌ماندند، امروزه می‌توانستند یک نیروی کار بزرگ برای کشور به محسوب شوند^۱.

بنابراین در سایه شواهد تجربی به نظر می‌رسد که سقط جنین نه تنها به توان بخشی زنان منجر نمی‌شود و زنان را غنی‌تر، شادتر و موفق‌تر نمی‌گرداند بلکه به طور عمده در جهت عکس اهداف متقابل عمل می‌کند. با توجه به این همه شواهد موجود در ضرر و زیان‌های ناشی از سقط جنین، از دیدگاه طرفداران «حق انتخاب» این امر هنوز به عنوان حق زن مورد دفاع است. زیرا نمادی از حق زنان برای "کنترل بدن خودشان" در نظر گرفته می‌شود.

رویکرد جنبش "حق انتخاب"

موافقان سقط جنین که در صدر آن‌ها عمده فمینیست‌ها هستند، با طرح این مسأله که غیرقانونی کردن آن منجر به حذف آن نمی‌شود، یادآور می‌شوند که هر سال حدود ۲۰ میلیون زن در کشورهایی که سقط جنین در آن‌جا غیرقانونی می‌باشد، به این کار مبادرت می‌ورزند و نرخ‌های سقط جنین در این کشورها، اغلب در مقایسه با جوامعی که در آن‌ها سقط جنین قانونی است، بالاتر می‌باشد. از این‌رو، غیرقانونی کردن سقط جنین به معنای آن است که بسیاری از زنان، به ویژه آن‌هایی که درآمدهای پایینی است، سقط‌هایی ناسالم و مخفیانه داشته باشند. این زنان اگر عوارضی از سقط جنین داشته باشند، برای دریافت معالجات پزشکی مشکل خواهند داشت و ممکن است به وسیله مجریان قانون مورد آزار و اذیت قرار گیرند. از این‌رو در کشورهای که سقط جنین غیرقانونی است، بسیاری از زنان می‌میرند و در بسیاری دیگر از موارد سقط‌های ناسالم و غیر بهداشتی آسیب می‌بینند. علاوه بر آن تعدادی نیز برای سقط به کشورهای دیگر سفر می‌کنند که نمونه آن را می‌توان در زنان ایرلندی که برای سقط جنین به بریتانیا سفر می‌

^۱ Theresa Burke

کنند، پیدا کرد. براساس گزارش سازمان بهداشت جهانی و یونیسف، سقطهای ناسالم و غیرقانونی در جهان باعث آسیب و مرگ هزاران نفر در هر سال و حدود یک زن در هر هفت دقیقه می‌شود.

ProChoice.com
Helping women to make informed choices

Parenthood	Adoption	Abortion
Can I really do this?	How does it work?	What is it?
Who will help me?	Who will adopt?	How is it performed?
What will it cost?	What will it cost?	What will it cost?
Will it ruin my life?	Where do I start?	When is it legal?
		Is it safe?
		RU486?

FAQ **CONTACT US**

Welcome we are here to help
This Site is dedicated to all the women that were told they had a choice,
but never had it explained to them that there is more than one.

شکل ۱ تصویر تبلیغات یک سایت اینترنتی طرفدار حق انتخاب^۱

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

^۱ <http://www.prochoice.com/> (retrieved 4th April 2010)

شکل ۲ تصویر تبلیغات یک سایت اینترنتی طرفدار حق حیات^۱

دلیل دیگر طرفداران سقط جنین، جلوگیری از آسیب‌پذیری‌های طولانی مدت بر اثر پذیرش فرزند ناخواسته است. از لحاظ روانی، سقط جنین بهتر از رهاکردن فرزند برای فرزند خواندگی یا بزرگ کردن بچه‌ای است که آمادگی برای مراقبت از وی وجود ندارد.

قابل اغماض بودن آثار سقط جنین

آن‌ها مدعی اند که آثار بعدی سقط جنین برای زنان مثبت است تا منفی و هر نوع احساس ندامت یا از دست دادن چیزی، کوتاه مدت خواهد بود. بر اساس این نظرگاه، نرخ مرگ و میر زنانی که از سقط جنین می‌میرند، خیلی پایین و در حد کم تر از یک در صد هزار می‌باشد. عوارضی هم که برای سقط جنین برشمرده می‌شود مثل عفونت، خون ریزی و نظایر آن در حاملگی‌های عادی نیز امکان دارد. از این‌رو کسانی که اقدام به سقط جنین می‌کنند، علاوه براین که از حیث جسمانی دچار عوارض جدی نمی‌شوند، از حیث روحی و روانی نیز با آسیب‌های جدی روبه رو نمی‌باشند؛ زیرا شواهد علمی وجود ندارد که نشان دهد زنانی که سقط جنین داشته‌اند، از آثار درازمدت روانی آن رنج می‌برند. مطالعه‌ای که در مجله «انجمن روان شناسی آمریکا» در سال ۱۹۹۷ و از حدود صد هزار زن در طی چندین سال جمع‌آوری شد، نشان می‌دهد که سقط جنین هیچ اثر منفی بر روی سلامتی

^۱ <http://www.nrlc.org/> (retrieved 4th April 2010)

روانی زنان ندارد. « استایگر»^۱ و « لوین»^۲ در این رابطه معتقدند که دسترسی به سقط جنین، هم چون بیمه‌ای است که از زنان در برابر بارداری های ناخواسته حمایت می‌کند. این دو در مطالعه‌ای با استفاده از الگویی برگرفته از رهیافت انتخاب عقلانی استدلال می‌کنند که تصمیم در مورد بارداری، حاصل یک روند تصمیم‌گیری عقلانی است که در آن کنش‌های زنان تحت تأثیر هزینه‌ها و منافع مورد انتظار و انتخاب‌هایی است که انجام می‌دهند.^۳

انتخاب شخصی

طرفداران حق انتخاب اعتقادات خود را در قالب آزادی فردی، آزادی باروری و حقوق باروری بیان می‌کنند. ایشان استدلال می‌کنند که ادامه حاملگی یا سقط جنین یک انتخاب شخصی است، چرا که عوامل دخیل در آن شامل بدن زن، بهداشت شخصی و آینده وی متعلق به خودش می‌باشد. آن‌ها معتقدند که زندگی پدر و مادر و کودکان زمانی که سقط جنین قانونی باشد از شرایط بهتری برخوردار خواهد بود. براساس نظر موافقان سقط جنین، نخست شواهدی وجود ندارد که نشان دهد سقط جنین آسیب زاتر از تولد باشد. دوم، هر زن به طور شخصی بهترین قاضی برای تصمیم‌گیری در مورد خویش است.^۴

ضرورت انکار ناپذیر

طرفداران حق انتخاب به طور لزوم خود را "طرفدار سقط جنین" نمی‌دانند؛ زیرا در نظر آن‌ها سقط جنین اجباری همان اندازه غیرقابل دفاع است که غیرقانونی کردن سقط جنین. در واقع، برخی از طرفداران حق انتخاب مخالف کلی یا نسبی سقط جنین از لحاظ اخلاقی می‌باشند، ولی معتقدند که ممنوعیت سقط جنین سلامت زنان را به مخاطره می‌اندازد چرا که این امر موضوعی عملی است، با این استدلال که سقط جنین در هر صورت اتفاق می‌افتد اما سقط جنین قانونی و تحت شرایط کنترل شده است به سقط جنین غیر قانونی و بدون نظارت‌های پزشکی مناسب ترجیح دارد. بسیاری از طرفداران حق انتخاب استدلال می‌کنند که سیاست‌های ضد سقط جنین که مانع دسترسی زنان به آموزش‌های جنسی و پیشگیری از بارداری جامع می‌شود و در نتیجه این سیاست‌ها تقاضا برای سقط جنین افزایش خواهد یافت و نه کاهش. برخی از طرفداران حق انتخاب، سقط جنین را به عنوان آخرین علاج در بعضی موقعیت‌ها می‌بینند و انجام آن را ضروری می‌دانند. از جمله این شرایط مواقعی است که در آن زن مورد

^۱ Staiger

^۲ Levin

^۳ Levine, Stager, ۲۰۰۲: ۳۸

^۴ Staiger

تجاوز قرار گرفته، سلامت وی یا زندگی جنین در معرض خطر بوده، بارداری ناخواسته باشد و یا مادر احساس کند که قادر به نگهداری از کودک نیست.

رویکرد جنبش "حق حیات"

مخالفان سقط جنین با رد نظریه امنیت زنان در پی سقط جنین به آثار و تبعات منفی جسمانی، روانی و اجتماعی آن اشاره می‌کنند و با ارائه شواهد علمی، دلایل موافقان را به چالش می‌کشند.^۱ از این‌رو در جهت حفظ و حمایت از حقوق زنان، مخالفت‌های گسترده‌ای با قانونی شدن سقط جنین به عمل آورده‌اند، به گونه‌ای که حتی بعضی به اقداماتی مانند آزار، تهدید، جراحت و قتل متخصصانی که به این عمل اقدام می‌کنند، دست زده و بسیاری از کلینیک‌های مرتبط با این قضیه را مورد حمله قرار داده‌اند.

آن‌ها با دلایل علمی اثبات کرده‌اند که برخلاف ادعای طرفداران حق انتخاب، سقط جنین عوارض چندی را در برداشته است که از آن جمله سقط ناکامل، خونریزی، عفونت، افسردگی، خودکشی، کودک‌آزاری، خشونت، اعتیاد به مواد مخدر و الکل، اختلال در روابط اجتماعی، خانوادگی و زناشویی و نظایر آن را می‌توان نام برد که به طور خلاصه به این آثار اشاره می‌شود.^۲

امراض جسمانی

آمارهای ملی در مورد سقط جنین در آمریکا نشان می‌دهد که ۱۰ درصد از زنانی که به سقط جنین ارادی اقدام می‌کنند از عوارض آن رنج می‌برند که از این میان، ۲۰ درصد عوارض، برجسته‌تر از سایر عوارض می‌باشد. عوارض جزئی این اقدام شامل عفونت‌های جزئی، خونریزی، تب، درد مزمن شکمی، اختلالات گوارشی، استفراغ و حساسیت از نوع «RH» بوده و شایع‌ترین عوارض عمده آن نیز عفونت و خونریزی شدید، انسداد جریان خون، سوراخ شدن یا ایجاد شکاف در رحم، تشنج، جراحتهای گردن رحمی و آسیب‌های مربوط به غدد می‌باشد.^۳

عوارض آنی سقط جنین قابل علاج هستند، اما عوارض بلند مدت آن اغلب به خطرات عقیم شدن منجر می‌شود. تحقیقات نشان داده‌است که ۳ تا ۵ درصد از زنانی که سقط جنین کرده‌اند، به خاطر بی‌ملاحظه‌گی عقیم می‌شوند. بر اساس تحقیقی در مجله انستیتوی ملی سرطان در سال ۱۹۹۴ مشخص می‌شود که خطر ابتلا به سرطان سینه در میان زنانی که حداقل یک بار سقط داشته‌اند، ۵۰ درصد بیش‌تر از سایر زنان است. تحقیق دیگری که در سال ۱۹۸۹ منتشر شد، نشان می‌دهد که زنان زیر ۴۰ سال،

^۱ Alcorn ۲۰۰۰:۳۶۷

^۲ Alcorn ۲۰۰۰:۳۶۷

^۳ Staiger

۹۰ درصد بیش تر از زنان سقط نکرده، در معرض سرطان سینه هستند. بنابراین اگر رابطه مستقیم میان سرطان سینه و سقط جنین مورد تردید باشد، حداقل به عنوان یکی از عوامل مؤثر مورد قبول می‌باشد.^۱

بنا بر نظر طرف داران حق حیات، در خصوص ارتباط سقط جنین و مرگ نیز شواهدی وجود دارد. مطالعات انجام گرفته در فنلاند و کالیفرنیا نشان می‌دهد که احتمال مرگ زنان بعد از سقط جنین، چند برابر بیش تر از احتمال مرگ بعد از نوزاد اول آنان می‌باشد. در مطالعه مربوط به فنلاند گزارش شده است که احتمال مرگ زنان سقط کرده، ۱۰۲ درصد بیش تر از زنان با سقط جنین غیرارادی و ۲/۵ برابر بیش تر از زنانی است که نوزادشان را به دنیا می‌آورند.^۲ تحقیق دیگری که در کالیفرنیا و از مقایسه بیش از ۱۷۰ هزار زن سقط کرده و فارغ شده انجام گرفت، نشان می‌دهد که احتمال مرگ زنان سقط کرده، ۶۲ درصد بیش تر است. مؤلفان این مطالعه نتیجه می‌گیرند که نرخ‌های بالاتر مرگ در میان زنان سقط کرده را می‌توان به فشار آنان ارتباط داد.^۳

مروری بر ۱۲ مطالعه انجام شده در مجله آمریکایی "بیماری شناسی زایمان"^۳ نشان می‌دهد که احتمال ابتلای زنان به سقط غیرارادی در تولدهای بعدی ۷۰ درصد بیش تر است.^۴

اختلالات روانی

محققانی که در خصوص واکنش‌های بعد از سقط جنین مطالعه کرده‌اند، تنها بر یک اثر مثبت سقط جنین اشاره می‌کنند: خلاصی. از دیدگاه مخالفان سقط جنین، این خلاص شدن قابل درک است، به ویژه در سایه این واقعیت که بیش تر زنانی که به سقط جنین روی می‌آورند، تحت فشار شدیدی برای فایق آمدن بر مسأله خود هستند. اما این احساس خلاصی اغلب با احساسات روانی منفی دیگری نیز همراه است. مطالعاتی که در چند هفته اول بعد از سقط جنین انجام گرفته است، نشان می‌دهد که از بین ۴۰ تا ۶۰ درصد از زنان مورد سؤال، واکنش‌های منفی گزارش شده است. ۵۵ درصد از آن‌ها در هشت هفته بعد از سقط جنین، احساس گناه کرده‌اند، ۴۴ درصد از اختلالات عصبی شکایت کرده‌اند، ۳۶ درصد از اختلالات مرتبط با خواب رنج برده‌اند و ۳۱ درصد در تصمیم‌گیری دچار مشکل شده‌اند، به طوری که ۱۱ درصد به روان‌درمانی تجویز شده‌اند.^۵

تحقیق دیگری از ۵۰۰ زن سقط کرده نشان می‌دهد که ۵۰ درصد از آن‌ها احساسات منفی از خود گزارش کرده‌اند، بیش از ۱۰ درصد از عوارض جدی روانی سخن گفته و ۳۰ تا ۵۰ درصد از اختلالات جنسی در کوتاه‌مدت و بلندمدت رنج برده‌اند. مطالعه

^۱ <http://www.abortiocancer.com>, ۲۹ March ۲۰۱۰

^۲ <http://www.hawzah.net/Per/Magazine/fs/۰۲۲/FS۰۲۲۰۷.ASP>, ۲۹ March ۲۰۱۰ ; Gissler, Hemminki, Lonnqvist ۱۹۹۶:۳۱۳

^۳ Obstetric Gynecology

^۴ www.ncfamily.org/PolicyPapers/Findings%۲۰۰۷۰۱-NCAbortion.pdf, ۹ April ۲۰۱۰

^۵ Friedman, et. al, ۱۹۷۴:۱۳۳۲-۱۳۳۷

دیگری که از بیماران سقط کرده در سنین ۱۳ تا ۱۹ ساله انجام گرفته است، نشان می‌دهد که این افراد به بدتر شدن روحیه روانی خود در هفت ماه بعد از سقط جنین دچار شده‌اند. این آثار برای افراد زیر ۱۷ سال، به مراتب شدیدتر بوده است. علایمی که این زنان اشاره کرده‌اند، عبارت از ملامت کردن خود، افسردگی، پس رفت اجتماعی، عقده، وسواس مرتبط با حاملگی مجدد و ازدواج‌های شتاب زده می‌باشد^{۵۴}.

برحسب پژوهشی که در مجله پزشکی بریتانیا در سال ۲۰۰۲ منتشر شد، زنان ازدواج کرده‌ای که یک سقط جنین در زندگی خود داشته‌اند، ۱۳۸ درصد بیش تر از دیگر زنان در معرض افسردگی در طی هشت سال بعد از سقط قرار دارند. اضطراب و افسردگی شدیدی را که این زنان بعد از سقط جنین به آن دچار می‌شوند، "سندروم بعد از سقط" می‌نامند. تحقیقات صورت گرفته که گاهی اوقات به آن اشاره شد، نشان می‌دهد که با گذشت زمان احساسات منفی مربوط به سقط جنین افزایش پیدا کرده و رضایت از تصمیم مربوط به سقط جنین کاهش پیدا می‌کند^۱.

خودکشی

تحقیقات مورد استناد طرف داران حق حیات نشان می‌دهد که احتمال خودکشی یا تفکر در مورد آن در میان زنانی که سقط جنین کرده‌اند، بیش تر است. براساس مطالعه‌ای که در مجله پزشکی جنوب در سال ۲۰۰۲ منتشر شده است، این احتمال ۱۵۴ درصد بیش تر است. مطالعه مشابهی در فنلاند نشان می‌دهد که احتمال خودکشی در میان زنان سقط کرده، شش بار بیش تر از زنان معمولی است^۲.

بنابراین همان طور که دکتر ترزا بورک^۳ - متخصص روان درمانی - در کتاب خود با عنوان "اندوه ممنوع"^۴ نوشته است: "سقط جنین با سه مسأله مهم در ارتباط با خودپنداری یک زن مواجه است. مسائل جنسی، مسائل اخلاقی و هویت مادرانه وی. زنی که سقط جنین می‌کند، هم در مسائل زناشویی دچار آسیب‌های جدی می‌شود و هم با این عمل خویش اخلاق را زیر پا له می‌کند. زیرا موجب قطع حیات از شخص دیگری شده است؛ علاوه بر آن هویت مادرانه خویش را هم زیر سؤال می‌برد، زیرا هم موجب مرگ فرزند خویش شده است و هم بر اثر اختلالات روانی ناشی از سقط جنین به فرزندان دیگرش نیز آسیب می‌رساند"^۵.

^۱ Coleman et.al, ۲۰۰۲: ۱۴۱

^۲ Burke, Reardon, ۱۹۸۸: ۴

^۳ Theresa Burke

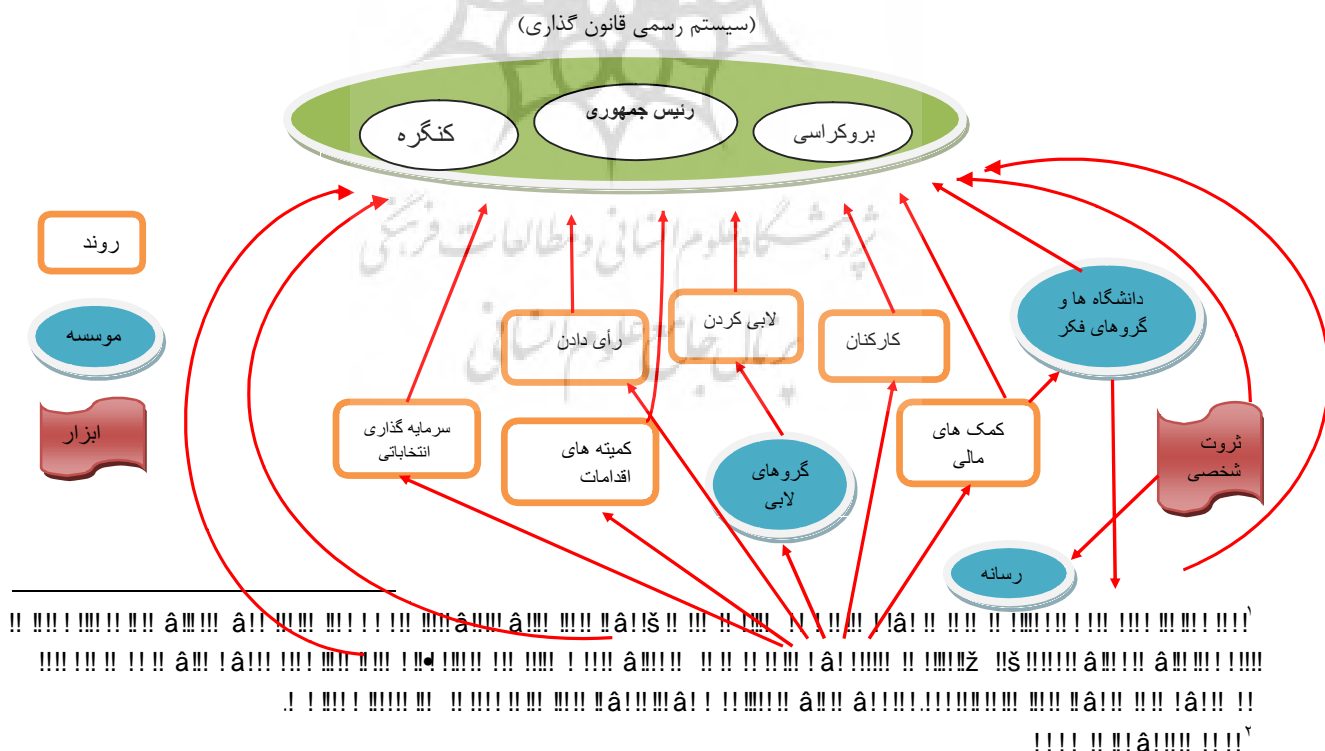
^۴ Forbidden Grief

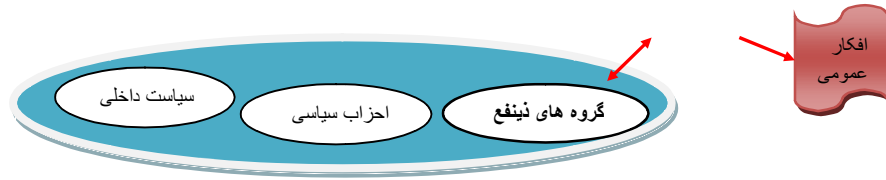
^۵ (Burke ۲۰۰۲: ۱۷۹)

جنبش زنان و فرایند تصمیم‌گیری سقط جنین در آمریکا

در شکل ۱ الگوی کلی تصمیم‌سازی در سیاست داخلی دیده می‌شود. همان‌گونه که مدل نشان می‌دهد علاوه بر نهادهای رسمی تصمیم‌گیر مانند دولت، کنگره و بوروکراسی، مؤسسات مختلف در قالب روندهای گوناگون و با استفاده از ابزارهای متفاوت تلاش می‌کنند تا برای دست‌یابی به اهداف خود در این فرایند به شکل قانونی تأثیر گذارند. احزاب سیاسی به دلیل ساختارمند بودن، داشتن تجربه کافی، استراتژی بلندمدت و توانایی چانه‌زنی به‌طور معمول در تصمیم‌گیری‌ها بسیار مؤثر هستند، با این حال احزاب برای حفظ وجهه خود نیاز به همراهی افکار عمومی دارند و از همین رو احزاب معمولاً سرمایه‌گذاری کلانی در رسانه‌ها انجام می‌دهند تا به کمک آن‌ها افکار عمومی را با خود همراه کنند، برای مثال شبکه خبری فاکس نیوز که وابسته به جمهوری خواهان و نئو محافظه کاران است، به شکل واضحی از سیاست‌های این گروه‌ها حمایت می‌کند.^۱

شکل ۱: الگوی کلی تصمیم‌گیری در سیاست داخلی آمریکا^۲





(تأثیر گذاران)

جنبش های اجتماعی نیز از راه گروه های لابی از یک سو و حرکت های مردمی (فشار اجتماعی)، سازمان های غیر دولتی و رسانه از سوی دیگر در احزاب سیاسی و نهادهای رسمی هیأت حاکم تأثیر می گذارند. نظام تصمیم گیری سیاسی در آمریکا روز به روز روند جنبش های اجتماعی را که به طور معمول در قالب سازمان های مردمی شکل یافته اند، جدی تر گرفته ملاحظاتی ایشان را بیش تر مورد توجه قرار می دهند. عموم جنبش ها حداقل در یکی از پایگاه های قدرتمند اجتماعی نقش برجسته دارند، به عنوان نمونه جنبش های دینی و یا همسو با تعالیم دینی با نهاد کلیسا ارتباط تنگاتنگ دارند.

می توان گفت که گروه های ذی نفوذ مهم ترین عنصر غیر رسمی در فرایند سیاست گذاری آمریکاست که به طور معمول از راه گروه های لابی تأثیر می گذارند. این گروه ها را در ایالات متحده آمریکا می توان در چند دسته تقسیم بندی کرد:

- گروه های ذینفوذ موضوع محور: گروه هایی هستند که در رابطه با موضوعی خاص و برای دوره مشخص سعی در نفوذ بر سیستم تصمیم گیری دارند و با به دست آوردن نتیجه، تلاش و تشکل آنان پایان می پذیرد.
- گروه های لابی خارجی: این گروه ها به منظور تأمین منافع کشور یا گروه های خارجی در فرایند سیاست خارجی آمریکا نفوذ می کنند.
- گروه های ذی نفوذ داخلی: گروه هایی هستند که در قالب اتحادیه ها، انجمن ها و تشکل های به طور عمده صنفی به دنبال تأمین منافع اعضای خود می باشند.
- گروه های ذی نفوذ اجتماعی: این گروه ها به دنبال تحقق خواست بخش قابل ملاحظه ای از مردم در موضوعات گریبان گیر جامعه هم چون حق حیات و حق انتخاب در فرایند سیاست گذاری نفوذ می کنند.

البته فعالیت گروه های ذی نفوذ تنها به یک موضوع خاص محدود نمی شود و ابعاد مختلفی را در بر می گیرد، به عنوان مثال، برخی گروه ها علاوه بر مسائل اقتصادی موضوعات زیست محیطی را نیز پیگیری می کنند. گروه های ذی نفوذ اقتصادی خود

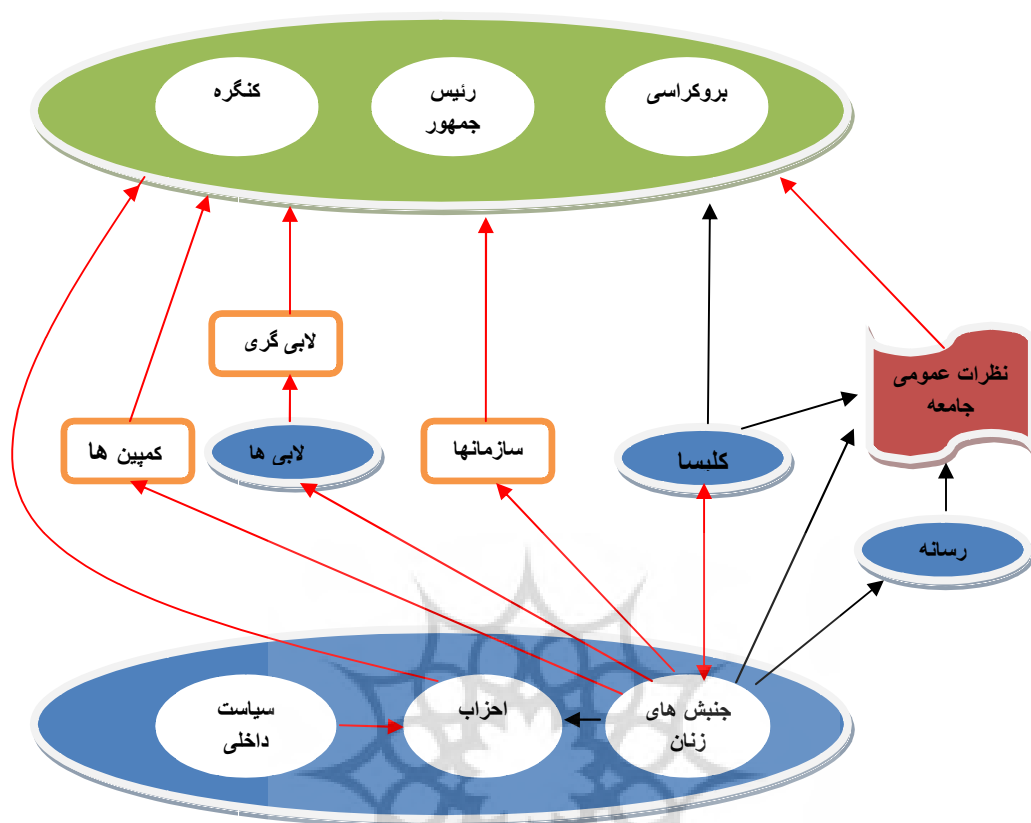
به چند دسته کوچک‌تر تقسیم می‌شوند، اما همگی آنان منافع خاص اقتصادی نظیر افزایش حقوق، بهبود شرایط کار، ارتقای سطح اشتغال و توسعه خدمات اقتصادی را دنبال می‌کنند. در این بخش علاوه بر اتحادیه‌های کارگری و صنفی، حتی کارخانجات، شرکت‌ها و مؤسسات اقتصادی نیز به مثابه گروه‌های فشار عمل می‌کنند و با پرداخت پول‌های کلان به سیاست‌مداران و یا رسانه‌های گروهی، منافع اقتصادی خود را دنبال می‌کنند.

همان‌طور که شکل ۱ نشان می‌دهد در فرایند تصمیم‌گیری سیاسی ایالت متحده آمریکا، عناصر، نهادها و فرایندهای متعددی تأثیر گذارند. این فرایند در موضوع سقط جنین نیز از همان الگوی کلی پیروی می‌کند اما عناصر و نهادهای متفاوتی در تأثیر گذاری بر این فرایند دخیل می‌باشند (شکل ۲). بر اساس این الگو در میان گروه‌های تأثیرگذار بر روند تصمیم‌گیری در خصوص سقط جنین می‌توان به گروه‌های ذینفع در قالب تشکل‌های غیر دولتی، اتاق‌های فکر، رسانه، کلیسا و احزاب اشاره کرد.



شکل ۲ فرایند تأثیر گذاری جنبش زنان در نظام تصمیم‌سازی در مسأله سقط جنین^۱

^۱!!!! • !!!â!!!! !!!!!!!!!!!! !!!!! !!!!!â!!



گروه های ذی نفع و لابی ها بسته به گرایش های مختلف مذهبی و سیاسی در گروه موافقان و مخالفان سقط جنین جای می گیرند. از عمده ترین این گروه ها نهاد کلیسا است که با استفاده از رویکرد مذهبی جامعه آمریکا به طور عموم مخالف سقط جنین بوده است و از طریق نفوذ این نهاد بر سیاست های دولت در این فرایند تأثیر می گذارند. از سوی دیگر سازمان های غیر دولتی را می توان متأثر از دو جریان و به دنبال آن موافق و مخالف سقط جنین دانست. گروهی از سازمان های غیر دولتی سنتی، مذهبی و پیرو کلیسا مخالف سقط جنین بوده و سازمان های غیر دولتی لیبرال، مدرن، و به طور عمده سازمان های غیر دولتی که دغدغه های زیست محیطی داشته و نیز آن هایی که به وسیله مهاجران جدید تشکیل می شوند، موافق سقط جنین می باشند.

نتیجه گیری

در جوامع بشری و تمامی کشورها همواره موضوعات قابل بحثی وجود دارد که گروه‌های مختلف درباره آن آرای متفاوتی دارند. در جوامع آزاد به طور معمول گروه‌های فکری یا ذی نفع همواره سعی می‌کنند آرای افراد مختلف را به سمت خود جلب کنند تا در طول فرایندهای نه چندان کوتاه مدت اما دموکراتیک به تدریج نظر قانون‌گذاران را به سمت مطلوب خود معطوف کنند. به این ترتیب در این جوامع تضارب آرا به همراه شیوه‌های نوین تبلیغات جایگزین درگیری و چالش‌های فیزیکی بین گروه‌های مختلف می‌شود. چنین برخوردی امکان اقدامات رادیکال را به حداقل رسانده و در واقع امنیت طولانی مدت ایجاد می‌کند. هزینه این امر معمولاً آن است که اغلب تصمیم‌های مناقشه‌آمیز برای نهایی شدن به یک روند طولانی احتیاج دارند و یا شاید هیچ‌گاه به یک نتیجه واحد نمی‌رسند. این نظام‌ها ساختاری به نسبت لخت اما با حداقل هزینه دارند که برای حرکت‌های عمیق احتیاج به گذر زمان است.

این مقاله به بررسی فرایند تصمیم‌گیری پیرامون سقط جنین در ایالات متحده آمریکا و نقش جنبش‌های زنان در تأثیر گذاری در این فرایند پرداخته است. در سال ۱۹۷۳ در ایالات متحده آمریکا و به دنبال کوشش‌های مداوم گروه‌های مختلف مدافع حق انتخاب و تحت شرایط بسیار متفاوتی، سقط جنین قانونی شد. با این حال از آن زمان تا کنون مناقشات بر سر این موضوع همواره چالش برانگیز بوده است. این مسأله تا آن حد جدی است که اغلب کاندیداهای ریاست جمهوری از بحث صریح در مورد آن اجتناب کرده‌اند. نامزدهای دموکرات که اصولاً باید مدافع این قانون باشند، همواره سعی می‌کنند تا در صحبت‌های خود استثنائات خاصی قائل شوند. جمهوری‌خواهان هم هیچ‌گاه به صراحت قانون سقط جنین را رد نمی‌کنند، اما ایدئولوژی حزب حاکم تأثیر قابل ملاحظه‌ای بر روند تغییرات این قانون خواهد داشت، برای مثال همان‌طور که در بخش‌های قبل عنوان شد، در دوران زمامداری کلینتون به عنوان یک رئیس‌جمهور دموکرات امکانات مالی و قانونی بیش‌تری به بیمارستان‌ها و مؤسسات بهداشتی برای انجام سقط جنین داده شد، در حالی که با روی کار آمدن دولت جمهوری‌خواه بوش اغلب این خدمات لغو شد. اما در این میان گروه‌های مختلف جنبش زنان و مستقل از حزب حاکم و ایدئولوژی غالب بر فرایند تصمیم‌گیری این موضوع تأثیر می‌گذارد. گروه‌های دیگری که از آن جمله می‌توان به گروه‌های مذهبی و لابی‌ها اشاره کرد نیز در این روند نقش به‌سزایی داشته‌اند: گروه‌های مذهبی (مانند کلیساها) بیش‌ترین نقش را در مخالفت با قانونی شدن سقط جنین و گروه‌های فمینیستی و لیبرال، بیش‌ترین تلاش را برای آزادتر کردن سقط جنین در ایالات متحده داشته‌اند. از زمان قانونی شدن سقط جنین تا کنون گروه‌های مخالف سقط جنین راه‌های متعددی را برای تغییر این روند قانونی طی کرده‌اند. یک سری از این اقدامات مثل نشان دادن فیلم مراحل سقط این هدف را دنبال می‌کند که با تحریک احساسات مادرانه به طور عملی فرد را از تصمیم به سقط منصرف کند.

برخی دیگر نظیر ثبت مشخصات کامل داوطلب سقط و یا اطلاع به خانواده های دختران تحت تکفل سعی می‌کنند تا با استفاده از هنجارهای اجتماعی از این عمل جلوگیری کنند. حتی برخی ایالت های محافظه کار مانند ایالت یوتا، تا به حال دو بار به طور جدی به دنبال لغو کلی این قانون بوده اند، اما این تلاش ها نتیجه چندان ملموسی نداشته است و علی رغم زمامداری جمهوری خواهان در بیست و سه سال از سی پنج سال سپری شده پس از تصویب شدن این قانون در دادگاه عالی آمریکا در سال ۱۹۷۳، سقط جنین هم چنان عملی قانونی در آمریکا است.

مجموعه این نهادها و ابزارهای رسمی و غیر رسمی تأثیر گذار در موضوع سقط جنین در آمریکا، با توجه به ۳ رویکرد زیر در جهت موافقت و یا مخالفت با این موضوع در این فرایند تأثیر گذاری می کنند.

۱- ایدئولوژی سیاسی

می توان گفت که فارغ از مؤلفه های دیگر، ایدئولوژی لیبرالیسم از یک سو و فردگرایی از سوی دیگر توانسته است تا باور فکری جامعه آمریکا را به دفاع از سقط جنین سوق دهد. اما عامل ایدئولوژی مهم تر از آثار شخصی در فرایند سیاسی- نهادی است که نقش کلیدی در شکل دهی افکار عمومی از یک سو و تأثیرگذاری بر فرایند تصمیم گیری از سوی دیگر دارد. از این منظر، دو حزب عمده آمریکا در چالش بحث برانگیز سقط جنین رو در روی یکدیگر قرار گرفته اند. به طور معمول حزب دموکرات طرفدار و حزب جمهوری خواه مخالف تصویب قانون آزادی سقط جنین می باشند. از دیدگاه ایدئولوژی سیاسی، موضوع فقط خوب و بد بودن نیست بلکه به طور عمده قانونی بودن و قانونی نبودن آن فارغ از بار ایدئولوژیک سقط جنین مطرح می باشد. به عنوان نمونه، تصور به نسبت رایجی که به خصوص در میان محافظ تازه فمینیستی خارج از آمریکا وجود دارد این است که گویا طرفداران حق انتخاب مدافعان عمل سقط جنین و طرفداران حق حیات مخالفان آن هستند، در حالی که این طور نیست. بحث بر سر قانونی بودن یا نبودن سقط جنین است و نه خوب و بد بودن این عمل. طرف داران حق انتخاب مدافعان قانونی بودن سقط جنین هستند، با وجود این که خیلی از آن ها با نفس عمل سقط جنین مخالف اند، اما در نهایت اسم گذاری « طرفدار انتخاب» و « طرفدار حیات» گمراه کننده و تبلیغاتی است. در آمریکا که بستر اصلی این قطب بندی است، بخش پر سر و صدای جنبش طرفداران حق حیات را گروه های راست و محافظه کار و مذهبی تشکیل می دهند که می توان ادعا کرد که منشأ حمایت برخی از آنان ارتباطی با حیات ندارد، به طور مثال بعضی از این ها مدافعان مجازات اعدام و تسری دادن آن حتی به نوجوانان نیز می باشند و برخی از ایشان نیز نژاد پرست و خارجی ستیز هستند.

۲- مذهب و باورهای دینی

در هر سه آیین ابراهیمی رایج در آمریکا (یهودیت، مسیحیت و اسلام) سقط جنین حرام و جز گناهان اعلام شده است. رایج ترین گرایش دینی در آمریکا با فاصله زیاد با دیگر گرایش های مذهبی، مسیحیت است. در میان کلیساهای آمریکا، کلیسایی که بیش ترین نظر را راجع به قانون سقط اعلام کرده است کلیسای کاتولیک می باشد. این کلیسا همواره موضعی بسیار متعصبانه علیه این امر اتخاذ نموده و تقریباً در یک موضع گیری ثابت در همه موارد سقط را ممنوع می داند. در حقیقت با راهنمایی شخصی ژان پل دوم کلیسای کاتولیک به ستون فقرات ضدیت با سقط جنین در آمریکا مبدل شده است. دیگر کلیساهای نظرشان را به صراحت کلیسای کاتولیک بیان نکرده اند. دانشگاه های کاتولیک به طور عمده خواهان لغو اجازه سقط جنین بوده و اگر جلساتی از طرف گروه های موافق در آن انجام گیرد، با برخوردی شدید مواجه خواهد شد، برای مثال زمانی که باراک اوباما (که از حامیان این قانون می باشد) به دانشگاه بنیدیکتن در ایالت ایلینویز دعوت شد، کلیسای کاتولیک که به طور رسمی اعلام کرده بود که دانشگاه ها و کالج های کاتولیک نباید از طرفداران سقط جنین دعوت به عمل آورند، به شدت با این دعوت مخالفت کرد.

۳- سیاست

لابی مربوط به سقط جنین در پوشش دو چتر بزرگ موافقان سقط جنین و مخالفان آن گرد هم آمده اند، این دو کمپ با انگیزه های متفاوتی از ایدئولوژی، مذهب و باور های شخصی در قالب گروه ها و عناصری مانند سازمان های غیر دولتی، تشکل های اجتماعی، اتاق های فکر، انجمن های تخصصی و پزشکی، مراکز تحقیقاتی و دانشگاهی و حتی کمپین های فردی خود را بروز می دهند، هدف این لابی اعمال نفوذ بر سیاست های حکومت از راه نفوذ بر رئیس جمهور، کاخ سفید، نمایندگان و سناتورهای کنگره، همسر رئیس جمهور و همسران مقامات متنفذ بوده، فضا سازی در سطح افکار عمومی و جهت دادن به رسانه های جمعی را پیگیری می کنند.

تشکل های غیر دولتی هم با توجه به گرایش های مختلف، نظرات متفاوتی دارند. البته تعداد تشکل های غیر دولتی موافق

سقط جنین بسیار بیش تر از مخالفین می باشد. علاوه بر این، حمایت سازمان ملل از موافقان سقط جنین به وسیله تشکیل سازمان ان-ای-اف^۱ کفه ترازو را به نفع موافقان این عمل سنگین می کند. در خصوص لابی های فعال و اتاق های فکر حاضر در کنگره می توان به لابی همکاری مسیحیان^۲ اشاره کرد که به شدت مخالف این قانون می باشد و با شدت تمام سعی در مبارزه با

^۱ NAF

^۲ Christian coalition

فوکا^۱ (قانونی که با تصویب آن تمام موانع بر سر راه سقط آزاد جنین برداشته خواهد شد) دارد. هم چنین لابی هایی که همچون "مؤسسه تحقیقات خانواده"^۲ عنوان "خانواده" را به دنبال می کشند نیز به شدت با تصویب این قانون مخالفت می کنند.

در این میان گروه های جنبش زنان همواره قدرتمند و در غالب سازمان های غیر دولتی بسیار فعال به نقطه ای قابل تأمل و چالش برانگیز برای سیاست مداران تبدیل شده اند. زنان تقریباً نیمی از جامعه را تشکیل داده و از قدرت رأی بسیار بالایی برخوردار می باشند علاوه بر این در کنار آن ها سازمان های غیر دولتی روز به روز توانمند تر شده و حضور و نفوذشان در عرصه مدیریت سیاسی جامعه و رسانه ها پر رنگ تر و تأمل برانگیز تر شده است. در مقابل سیاست مداران هم به دلیل نیاز به حمایت این گروه ها چه در دوران انتخابات و چه هنگامی که مسند قدرت را به دست می گیرند سعی می کنند تا حد امکان خود را کاملاً متمایل به یک سمت نشان ندهند تا رأی زنان و مردان طیف دیگر را از دست ندهند. به همین سبب موضوع سقط جنین هم چنان موضوعی پیچیده و حل نشدنی در فرایند تصمیم گیری در آمریکا باقی مانده است.

منابع

- Adler, N. (۱۹۷۶) "Sample attrition in studies of psychosocial sequelae of abortion: How great a problem?" *J Applied Soc Psych.* ۶(۳):۲۴۰-۲۵۹.
- Alcorn, Randy (۲۰۰۰) *Pro-Life Answers to Pro-Choice Arguments Expanded & Updated Expanded edition* United States: Multnomah Books.
- Angelo, E.J., (۱۹۹۳) "Psychiatric Sequelae of Abortion: The Many Faces of Post-Abortion Grief" *Linacre Quarterly.* ۵۹(۲):۶۹-۸۰.
- Brown, D., Elkins, T.E., Lardson, D.B., (۱۹۹۲) "Prolonged Grieving After Abortion," *J Clinical Ethics.* ۴(۲):۱۱۸-۱۲۳.
- Bruzy, Stephanie & Amy Lind (۲۰۰۷) *Battleground: Women, Gender, and Sexuality* United States: Greenwood Publisher .
- Burke Theresa & Reardon David C., (۱۹۸۸), "Abortion Trauma and Child Abuse", Post Abortion Review, Winter ۱۹۸۸ (http://www.abortionfacts.com/reardon/abortion_and_child_abuse.asp)retrieved April ۲۰۱۰.

^۱ FOCA

^۲ Family research council

Burke, Theresa (۲۰۰۲) *Forbidden Grief: The Unspoken Pain of Abortion* United States: corn Books.

Coleman PK, Reardon DC, Rue VM, and Cogle JR (۲۰۰۲), "State-funded abortions vs. deliveries: A comparison of outpatient mental health claims over five years." *American Journal of Orthopsychiatry*. Vol. ۷۲, No. ۱, ۱۴۱-۱۵.

Elhage, Michelle Alysse, Edgars Douglas (۲۰۱۰) "The After- Effects of Abortion" online at: North Carolina family policy council, www.ncfamily.org/PolicyPapers/Findings/۲۰۰۷۰۱-NCAbortion.pdf, (retrieved on ۹ April ۲۰۱۰).

Friedman, et.al (۱۹۷۴) "The Decision-Making Process and the Outcome of Therapeutic Abortion" *American Journal of Psychiatry*, vol. ۱۳۱, pp ۱۳۳۲-۱۳۳۷.

Fortune , "Power ۲۵", ۶ December ۱۹۹۹.

Garrow, David J. (۱۹۹۴) *Liberty and sexuality: the right to privacy and the making of Roe v. Wade* New York City: Macmillan Publishers.

Gissler M, Hemminki E, Lonnqvist J, (۱۹۹۶) "Suicides after pregnancy in Finland: ۱۹۸۷-۹۴: register linkage study". *British Medical Journal*, ۳۱۳: ۱۴۳۱-۱۴۳۴.

Jones, E.F. & Forrest, J.D. (۱۹۹۲) "Underreporting of Abortion in Surveys of U.S. Women: ۱۹۷۶ to ۱۹۸۸," *Demography*, ۲۹(۱):۱۱۳-۱۲۶.

Lazarus, A. & Stern, R. (۱۹۸۶) "Psychiatric Aspects of Pregnancy Termination," *Clin Obstet Gynaecol*, ۱۳:۱۲۵-۱۳۴.

Levine Philip ,Stagier Douglas (Feb. ۲۰۰۲) "Abortion as insurance", National Bureau of Economic Research.

Kent, I., et.al. (۱۹۷۸) "Emotional Sequelae of elective Abortion," *BC Med J*, ۲۰: ۱۱۸-۹.

Marwick Arthur (۱۹۹۸) "The Sixties", ۱st Edition, USA: Oxford University Press.

McBride Stetson Dorothy (۲۰۰۱) "Abortion Politics, Women' Movements, and the Democratic State" Oxford Scholarship Online, (retrieved on ۹ April ۲۰۱۰)

Reardon, D. (۱۹۹۴) "Psychological Reactions Reported After Abortion," *The Post-Abortion Review*, ۲(۳):۴-۸.

Speckhard, A. & Rue, V. (۱۹۹۲) "Postabortion Syndrome: An Emerging Public Health Concern," *J Social Issues* ۴۲(۳):۹۵-۱۱۹.

Staggenborg Suzanne (۱۹۹۱) "The Pro-Choice Movement: Organization and Activism in the Abortion Conflict", Oxford University Press, , (retrieved on ۹ April ۲۰۱۰).

Abortion statistics and other data <http://www.johnstonsarchive.net/policy/abortion/index.html> (retrieved on ۳۰ March ۲۰۱۰).

The Center for bio-ethical reform, <http://www.abortionno.org/Resources/fastfacts.html>, (retrieved ۴ April ۲۰۱۰).

[Bush, George. W. \(January ۲۲, ۲۰۰۱\).](#)

<http://web.archive.org/web/۲۰۰۱۰۶۰۴۰۳۲۱۳۶/http://www.whitehouse.gov/news/releases/۲۰۰۱۰۱۲۳-۵.html>.

<http://www.whitehouse.gov/statement-released-after-the-president-rescinds/> (retrieved ۶ April ۲۰۱۰).

<http://www.nchla.org/datasource/idocuments/KempK۸۵۰۳.pdf> (retrieved ۱ April ۲۰۱۰).

<http://www.abortioncancer.com> (retrieved on ۲۹ March ۲۰۱۰).

<http://www.hawzah.net/Per/Magazine/fs/۰۲۲/FS۰۲۲۰۷.ASP> (retrieved on ۲۹ March ۲۰۱۰).

موسوی، سید علی، کدخدایی، الهام، شفیعی، فاطمه " مدل روند تصمیم گیری در سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا"، رهبرد، (۱۳۸۹) جمعی از نویسندگان؛ "سقط جنین: مجموعه مقالات سمینار میان رشته ای سقط جنین". نشر مشترک سازمان سمت و پژوهشکده ابن سینا،

۱۳۸۵

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پښتونستان د علومو او انساني مطالعاتو فریښتی
پرتال جامع علوم انسانی